بسم الله الرحمن الرحیم

حقوق کارگر در اسلام

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»

حقوق کارگر در اسلام

دیدگاه اسلام درباره‌ی حقوق کارگران چیست؟ اسلام چه حقوقی را برای کارگران قرار داده، و آیا چیزی که اسلام در ۱۴۰۰ سال پیش دستور داده، در عصر جدید نیز از تمامی قوانین نوشته‌ی بشر جلوتر نیست؟

تهیه‌شده در: «رد شبهات ملحدین»



no-atheism.net | no_atheism | fb/islamway1434 | no_atheism | aparat/asteira



حقوق کارگر در اسلام

سنت خداوند است که بندگان، عده‌ای از آنها در خدمت دیگری باشند، خداوند متعال فرموده: ﴿نَحْنُ قَسَمْنا بَيْنَهُمْ مَعيشَتَهُمْ فِي الْحَياةِ الدُّنْيا وَ رَفَعْنا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجاتٍ لِيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضاً سُخْرِيًّا وَ رَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِمَّا يَجْمَعُونَ﴾ [زخرف: ۳۲]، یعنی: «ما [وسایل] معاشِ آنان را در زندگی دنیا میانشان تقسیم کرده‌ایم، و برخی از آنان را از [نظر] درجات، بالاتر از بعضی [دیگر] قرار داده‌ایم تا بعضی از آنها بعضی [دیگر] را در خدمت گیرند، و رحمت پروردگار تو از آنچه آنان می‌اندوزند بهتر است.»

جامعه به وزیر، دکتر، مهندس، معلم و ...، نیاز دارد و به همان اندازه به کارگر نیز نیاز دارد هرچند گروهی در خدمت گروه دیگر باشند و اگر واقع بین باشیم یک معلم در صورت بیماری به دکتر نیازمند است و همچنین یک مهندس برای اینکه به درجه مهندسی برسد به معلم نیاز دارد و در مجموع مردم با تمام درجات مختلفی که در جامعه دارند باز به رفته‌گر محتاج‌اند و در مقابل نیز این رفته‌گر به آنان نیازمند است بنابراین این خدمت‌رسانی چندسویه است.

جامعه اسلامی باید بسان یک پیکر واحد باشد و اعضای آن به یکدیگر مساعدت کنند، پیامبراکرمﷺ فرمودند: «مثل المؤمنين في توادهم، وتراحمهم، وتعاطفهم مثل الجسد إذا اشتكى منه عضو تداعى له سائر الجسد بالسهر والحمى»[1] یعنی: «صفت مؤمنان در دوستی و مهربانی و ترحم به یکدیگر بسان بدن واحد است که هرگاه عضوی از آن به درد آید، اعضای دیگر نیز با بیداری و تب ابراز همدردی می‌کنند.» بنابراین رابط بین این پیکر واحد باید با دوستی، مهرمانی و عطوفت باشد و در چنین حالتی است که خدمت‌رسانی هرگروه نسبت به دیگری در جامعه اسلامی بر مدار ایمان، اخوت، صلح و تعاون خواهد بود.

---

[1]- صحیح البخاری، (ط: ۱، دار طوق النجاة، ۱۴۲۲هـ)، ج۸، ص۱۰ ح ۶۰۱۱؛ صحیح مسلم، (ط: دار إحیاء التراث العربی، بیروت)، ج۴، ص۱۹۹۹ ح۲۵۸۶.

برآورد کردن نیازمندی‌های کارگر

ازجمله اصنافی که اسلام بدان اهتمام ویژه‌ای داشته قشر **کارگر** در جامعه است و در صورتی که کارگر ناتوان باشد در تهیه ضروریات زندگی مانند غذا، پوشاک و مسکن و ...، بر حکومت اسلامی واجب است که در تهیه این نیازمندی‌ها به او کمک نماید.

سیدنا رسول الله ﷺ فرمودند: «**من ولي لنا عملا وليس له منزل، فليتخذ منزلا، أو ليست له زوجة فليتزوج، أو ليس له خادم فليتخذ خادما، أو ليست له دابة فليتخذ دابة**»[1] یعنی: «کسی که برای ما به امری اشتغال دارد، اگر منزل ندارد، پس باید برای او منزلی تهیه کرد، اگر زن ندارد، برای او همسری برگزیده شود و اگر خادم ندارد می‌تواند خادمی را بکار گیرد و اگر مرکب و سواری ندارد، مرکبی را برگزیند.»

مساعدت خانواده‌ی کارگر متوفی و پرداخت بدهی او

اگر مسلمانی وفات کند در حالی که خانواده‌ی نیازمند دارد یا بر او بدهکاری است بنابراین بر ولیّ‌امر واجب است که از بیت المال در تأمین نیازمندی‌های خانواده‌ی متوفی به آنها کمک نماید و نیز بدهی متوفی را در صورتی که مالی نداشته است بپردازد. پیامبراکرم ﷺ فرمودند: « **من ترك مالا فلورثته، ومن ترك كلا فإلينا**»[2] یعنی: «هر کس مالی را باقی بگذارد پس برای ورثه آن است و هرکس عیال یا بدهی‌ای را باقی بگذارد پس رسیدگی به امورش بر عهده‌ی ما است.» باتوجه به این

---

[1]- مسند الإمام أحمد بن حنبل، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، ۲۰۰۱م)، ج۲۹، ص۵۴۳ ح۱۸۰۱۵؛ المعجم الكبير للطبراني، (ط: ۲، مكتبة ابن تيمية، القاهرة)، ج۲۰، ص۳۰۴ ح۷۲۵؛ همچنین بنگرید به: [صحيح ابن خزيمة، (ط: المكتب الإسلامي، بيروت)، ج۴، ص۷۰ ح۲۳۷۰؛ سنن أبي داود، (المكتبة العصرية، صيدا، بيروت)، ج۳، ص۱۳۴ ح۲۹۴۵؛ المستدرک علی الصحيحين للحاكم، (ط: ۱، دار الكتب العلمية، بيروت، ۱۹۹۰م)، ج۱، ص۵۶۳ ح۱۴۷۳] – حديث صحيح.

[2]- صحيح البخاري، ج۳، ص۱۱۸ ح۲۳۹۸.

حدیث و احادیث مشابه آن، این حکم در قول راجح استمرار دارد[1] و بر حاکمان اسلامی واجب است.[2]

ملاحظه میزان توان کارگر در انجام کار

تکلیف باید به اندازه طاقت و توانایی باشد در غیر این‌صورت عقلاً و نقلاً جائز نیست[3] و ﴿لایُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْساً إِلاَّ وُسْعَها﴾ [بقره: ٢٨٦]، یعنی: «خداوند هیچ کس را جز به قدر توانایی‌اش تکلیف نمی‌کند.»

شعیب﷣ هنگامی که خواست موسی﷣ را بر امور مالی خود بکار گیرد به او فرمود: ﴿ ما أُرِيدُ أَنْ أَشُقَّ عَلَيْكَ ﴾ [قصص: ٢٧]، یعنی: « نمی‌خواهم بر تو سخت گیرم.» بنابراین سخت‌گیری بر کارگر شرعاً جائز نیست، متأسفانه بسیار شنیده شده و یا مشاهده شده که صاحب‌کاران بر کارگرانشان سخت گرفته‌اند و انتظار کار سنگین داشتند و توجیه آن را پرداخت دستمزد دانسته‌اند در حالی که دستمزد و حقوق در قبال کار است نه اینکه کارگر بیچاره را چنان سخت بگیرند که توانی برایش باقی نماند یا دچار ضعف بدنی و روحی شود و با اوج خستگی وارد کانون خانواده شود، خداوند متعال با آن همه جلالت خویش در عبادات شرط توانایی را برای بندگانش بیان فرموده آنگاه بندگان خدا نسبت به همدیگر برخوردی ظالمانه دارند! پیامبراکرمﷺ فرمودند: «ولاتكلفوهم ما يغلبهم»[4] یعنی: «و هرگز بیش از توانشان از آن‌ها کاری نکشید.»

---

[1]– ر.ک: فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن حجر العسقلانی، (دار المعرفة، بیروت، ١٣٧٩هـ)، ج١٢، ص١٠.

[2]– ر.ک: مواهب الجلیل – الرعینی، (ط:٣، دار الفكر، ١٩٩٢م)، ج٣، ص٣٩۶.

[3]– ر.ک: الكلیات – الكفوی، (مؤسسة الرسالة، بیروت)، ص٣٠٠.

[4]– صحیح البخاری، ج١، ص١۵ ح٣٠؛ صحیح مسلم، ج٣، ص١٢٨٢ ح١۶۶١.

تعیین دستمزد قبل از کار

بصورت موقوف از ابوهریره رضي الله عنه و ابوسعید خدری رضي الله عنه روایت شده که فرمودند: «من استأجر أجيرا، فليعلمه أجره»[1] یعنی: «هرکس کارگری را استخدام کرد پس بایستی مقدار مزدش را به او بگوید.» معلوم کردن دستمزد کارگر از پیش و رضایت طرفین (صاحب کار و کارگر) به موجب آن، از برخی ضررهای احتمالی که بعد از کار ممکن است ایجاد شود می‌تواند جلوگیری نماید و همچنین کارگر با توجه به دستمزدی که از آن آگاه بوده و به میزان آن می‌تواند کار بکند چرا که گاهی مشاهده شده که همین عدم تعیین دستمزد و انتظار کارگر یا صاحب‌کار نسبت به یکدیگر سرانجام ناخشنودی به بار آورده است لذا توصیه اکید می‌شود که قبل از انجام کار شرایط و دستمزد آن مشخص شود. امام صنعانی رحمه الله (م۱۱۸۲هـ) بعد از نقل برخی از احادیث در این رابطه می‌گوید: «این روایات دلیل بر مندوب بودن معرفی دستمزد کارِ کارگر است تا نامشخص بودن آن مؤید مشاجره و دشمنی نشود.»[2]

پرداخت دستمزد و حقوق کارگر در ازای کارش واجب است!

﴿فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُن﴾ [طلاق: ٦]، یعنی: «و اگر برای شما [بچه] شیر می‌دهند مزدشان را به ایشان بدهید.»

در حدیث قدسی صحیح رسول الله صلى الله عليه وسلم از خداوند متعال روایت نموده که می‌فرماید: «ثلاثة أنا خصمهم يوم القيامة: رجل أعطى بي ثم غدر، ورجل باع حرا فأكل ثمنه، ورجل استأجر أجيرا

[1]– مصنف ابن أبي شيبة، (ط: ۱، مکتبة الرشد، الرياض، ۱۴۰۹هـ)، ج۴، ص۳۶۶ ح۲۱۱۰۹؛ السنن الکبری للنسائی، (ط: ۱، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۲۰۰۱م)، ج۴، ص۴۲۰ ح۴۶۵۶؛ این حدیث بصورت مرفوع نیز روایت شده: [ر.ک: مصنف عبد الرزاق، (ط: ۲، المجلس العلمی، الهند، ۱۴۰۳هـ)، ج۸، ص۲۳۵ ح۱۵۰۲۴؛ مسند الإمام أحمد بن حنبل، ج۱۸، ص۱۱۶ ح۱۱۵۶۵؛ السنن الکبری للبیهقی، (ط: ۳، دار الکتب العلمیة، بیروت، ۲۰۰۳م)، ج۶، ص۱۹۸ ح۱۱۶۵۲] – سند آن «ضعیف» است.

[2]– سبل السلام – الصنعانی، (ط: دارالحدیث، بی‌تا)، ج۲، ص۱۱۸.

فاستوفی منه ولم يعط أجره»[١] یعنی: « سه نفراند که من روز قیامت، دشمن آنها خواهم بود. اول: شخصی که به اسم من، پیمان ببندد، سپس، آن را نقض کند. دوم: شخصی که فرد آزادی را بفروشد و قیمتش را بخورد. سوم: شخصی که از فردی کار بکشد و مزدش را ندهد.» همچنین پیامبراکرمﷺ فرمودند: «أعطوا الأجير أجره، قبل أن يجف عرقه»[٢] یعنی: « قبل از آنکه عرق کارگر خشک شود دستمزد او را بپردازید.» منظور از آن، مبالغه در پرداخت زود هنگام و بدون معطلی دستمزد به تمام و کمال است.[٣] امام مناوی رحمه الله (م١٠٣١هـ) می‌گوید: « قبل از آنکه عرق خشک شود کنایه از وجوب مبادرت به پرداخت دستمزد کارگر است بعد از فارغ شدن از کار هرگاه آن را طلب کند هرچند هم عرق نکرده باشد.»[٤] امام نور الدین سَنَدی رحمه الله(م١١٣٨هـ) می‌گوید: « لازم است بعد از فارغ شدن کارگر از کارش در پرداخت حق وی اقدام شود.»[٥]

منع حق کارگر توسط صاحب کار، حرام است!

أبوأمامه رضی الله عنه می‌گوید: پیامبراکرمﷺ فرمودند: «من اقتطع حق امرئ مسلم بيمينه، فقد أوجب الله له النار، وحرم عليه الجنة فقال له رجل: وإن كان شيئا يسيرا يا رسول الله؟ قال: وإن قضيبا من أراك»[٦] یعنی:« هر کسی که با سوگند خود حق مسلمانی را قطع کند خداوند جهنم را بر وی واجب نموده

---

[١]- صحيح البخاری، ج ٣، ص ٨٢ ح ٢٢٢٧.

[٢]- سنن ابن ماجه، (ط: دار إحياء الكتب العربية، فيصل عيسى البابى الحلبى)، ج٢، ص٨١٧ ح٢٤٤٣؛ مسند أبى يعلى الموصلى، (ط: ١، دار المأمون للتراث، دمشق، ١٩٨٤م)، ج١٢، ص٣٤ ح٦٦٨٢؛ حلية الأولياء لأبى نعيم الأصبهانى، (ط: السعادة، بجوار محافظة مصر، ١٣٩٤هـ)، ج٧، ص١٤٢؛ السنن الكبرى للبيهقى، ج٦، ص١٩٩ ح١١٦٥٤؛ شرح مشكل الآثار – الطحاوى، (ط: ١، مؤسسة الرسالة، ١٤١٥هـ)، ج٨، ص١٣ ح٣٠١٤؛ این حدیث «صحیح لغیره» است. [ر.ک: صحيح الترغيب والترهيب – الألبانى، (ط: ٥، مكتبة المعارف، الرياض)، ج٢، ص١٨٣ ح١٨٧٧ و ١٨٧٨؛ إرواء الغليل – الألبانى، (ط: ٢، المكتب الإسلامى – بيروت، ١٤٠٥هـ)، ج٥، ص٣٢٠ ح١٤٩٨]

[٣]- ر.ک: مرقاة المفاتيح شرح مشكاة المصابيح – الملا على القارى، (ط:١، دار الفكر، بيروت، ٢٠٠٢م)، ج٥، ص١٩٩٣.

[٤]- فيض القدير – المناوى، (ط: ١، المكتبة التجارية الكبرى، مصر، ١٣٥٦هـ)، ج١، ص٥٦٢.

[٥]- حاشية السندى على سنن ابن ماجه، (ط: دار الجيل، بيروت)، ج٢، صص٨٤ – ٨٥.

[٦]- صحيح مسلم، ج١، ص١٢٢ ح١٣٧.

و بهشت را بر وی حرام می‌نماید. مردی گفت: ای رسول الله، حتی اگر این حق، کوچک باشد؟ آنحضرتﷺ فرمودند: حتی اگر شاخه‌ای از درخت اراک باشد.»

امام نووی رحمه الله(م۶۷۶هـ) می‌گوید: «مقید کردن حدیث به مسلمان، دلیل بر جواز پایمال کردن حق کافر ذمّی نیست بلکه حدیث به این معناست که این وعید (هشدار) نسبت به شخص مسلمان شدیدتر و سخت‌تر است و در حالی با خداوند ملاقات خواهد کرد، به سبب قطع کردن حق مسلمان از او غضبناک شده است، بنابراین قطع کردن حق ذمّی هم حرام است لیکن ضرورتی ندارد به آن اندازه عقوبت بسیار بزرگ باشد. قاضی عیاض رحمه الله می‌گوید: تخصیص مسلمان در این حدیث به این خاطر است که آنها مورد خطاب قرار گرفتند و عموم عاملان در شریعت مسلمانان هستند نه بر خلاف آن غیر مسلمان، از این‌رو در حکم آن یکسان هستند. همچنین این حدیث بیانگر غلظت و شدت تحریم [پایمال کردن] حقوق مسلمانان است و فرقی نمی‌کند این حق کم باشد یا زیاد.»[1]

تکریم کارگر و عدم تحقیر وی

جائز نیست که چون شخصی کارگر است او را تحقیر یا تمسخر کرد، خداوند انسان‌ها را تکریم نموده: ﴿وَلَقَدْ كَرَّمْنا بَنِي آدَمَ﴾ [اسراء: ۷۰]، و معیار این کرامت نیز پُست و مقام دنیایی نیست بلکه این ارزشمندی به تقوی است چنان‌چه خداوند متعال فرموده: ﴿يا أَيُّهَا النَّاسُ ... إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكُمْ﴾ [حجرات: ۱۳] در این رابطه در حدیثی صحیح روایت است که «مردی از کنار پیامبراکرمﷺ گذشت، آنحضرتﷺ فرمودند: نظر شما در مورد این شخص چیست؟ گفتند: برایش شایسته است که هر گاه خواستگاری کند به نکاح داده شود، و چون شفاعت کسی را کند، شفاعتش قبول شود. رسول اللهﷺ سکوت نمودند. این بار **مردی از فقرای مسلمین** از آن‌جا گذشت، آنحضرتﷺ فرمودند: نظرتان در باره‌ی این شخص چیست؟ گفتند: این سزاوار است که چون خواستگاری کند، به نکاح داده نشود، و چون شفاعت کند شفاعتش قبول نشود و اگر سخن بگوید

---

[1]- المنهاج شرح صحيح مسلم بن الحجاج – النووی، (ط: ۲، دار إحياء التراث العربی، بيروت، ۱۳۹۲هـ)، ج۲، ص۱۶۲.

سخنش شنیده نشود. رسول الله ﷺ فرمودند: **این مرد بهتر از آن است** اگر چه روی زمین پر از امثال او باشد.»[۱]

تشکر از کارگر در ازای کارش

تشکر و قدردانی از مردم در قبال کاری که برای یکدیگر انجام داده‌اند مستحب است بلکه در زمره‌ی شکرگزاری خداوند تلقی شده از این‌رو کارگری که برای صاحب‌کار خود عملی انجام داده بر صاحب‌کار لازم است که از وی تشکر کند چرا که این تشکر به مثابه‌ی تشکر از خداوند متعال است؛ پیامبراکرم ﷺ فرمودند: «من لا يشكر الناس لا يشكر الله»[۲] یعنی: «هرکس شکرگزار مردم نباشد شکرِ خدا را به جا نیاورده است.»

برابری و برادری، حقوق کارگری

یکی از مهمترین مبادی اسلام دعوت به مساوات و برادری است بدور از هرگونه نژاد، رنگ و ...، و در آیات و احادیث متعدد اصل "برابری و برادری" بیان شده است و این پاسخ قاطعی به طرفداران مکتب کمونیست و داعیان برابری و برادری و حقوق کارگری است!

۱. مساوات مردم

- خداوند متعال فرموده: ﴿هُوَ الَّذي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ واحِدَةٍ وَ جَعَلَ مِنْها زَوْجَها﴾[اعراف: ۱۸۹]، یعنی: « اوست آن کس که شما را از نفس واحدی آفرید، و جفت وی را از آن پدید آورد.»

۱- ر.ک: صحيح البخاری، ج۸، ص۹۵ ح۶۴۴۷.

۲- سنن أبی داود، ج۴، ص۲۵۵ ح۴۸۱۱؛ سنن الترمذی، (ط: ۲، شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابی الحلبی، مصر، ۱۹۷۵م)، ج۴، ص۳۹۹ ح۱۹۵۴؛ این حدیث «صحیح» است.

- پیامبراکرمﷺ فرموده: « **الناس بنو آدم وآدم خلق من تراب** »[۱] یعنی: « مردم فرزندان آدم هستند و آدم نیز از خاک است.»
- روایت شده که پیامبراکرمﷺ فرمودند: « **الناس مستوون كأسنان المشط ليس لأحد على أحد فضل إلا بتقوى الله.**»[۲] یعنی: «مردم مانند دندانه‌های شانه مساوی‌اند، هیچ کس بر دیگری برتری ندارد مگر با تقوای خدا»
- سیدنا رسول اللهﷺ فرمودند: « **ليس لعربي على عجمي فضل، ولا لعجمي على عربي فضل، ولا لأسود على أبيض ولا لأبيض على أسود فضل إلا بالتقوى**»[۳] یعنی: « هیچ عربی را بر هیچ عجمی برتری نیست و هیچ عجمی را بر هیچ عربی و هیچ سیاهی را بر هیچ سفیدی و هیچ سفیدی را بر هیچ سیاهی، مگر به تقوی!»

۲. برادری مردم

- خداوند متعال فرموده: ﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ﴾ [حجرات: ۱۰]، یعنی: « در حقیقت مؤمنان با هم برادرند.»

---

[۱] – سنن أبی داود، ج ۴ ، ص ۳۳۱ ح ۵۱۱۶؛ سنن الترمذی، ج ۵ ، ص ۷۳۴ ح ۳۹۵۵؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۱۰ ، ص ۳۹۲ ح ۲۱۰۶۲؛ حدیث «حسن صحیح» است. [صحیح الترغیب والترهیب – الألبانی، ج۳، ص۶۹ ح۲۹۲۲]

[۲] – کشف الخفاء – العجلونی، (ط: مکتبة القدسی، القاهرة ، ۱۳۵۱هـ)، ج۲، ص۳۲۶ ح۲۸۴۷؛ همچنین بنگرید به: [مسند الشهاب القضاعی، (ط: ۲، مؤسسة الرسالة، بیروت، ۱۹۸۶م)، ج۱، ص۱۴۵ ح۱۹۵؛ غریب الحدیث – الخطابی، (ط: دار الفکر، ۱۹۸۲م)، ج۱، ص۵۶۱]، این حدیث از طرق متعددی نقل شده لیکن در مجموع شدیداً ضعیف است و با این وجود تمام طریق‌های آن موجب تقویت حدیث نمی‌شود.[ر.ک: سلسلة الأحادیث الضعیفة والموضوعة – الألبانی، (ط: ۱، دار المعارف، الریاض، المملکة العربیة السعودیة، ۱۹۹۲م)، ج۲، ص۶۲ ح۵۹۶]

[۳] – المعجم الکبیر للطبرانی، ج ۱۸ ، ص ۱۲ ح ۱۶، اسناد آن ضعیف است، لیکن برای این حدیث شواهدی صحیح وجود دارد. [ر.ک: سلسلة الأحادیث الصحیحة – الألبانی، (ط:۱، مکتبة المعارف، الریاض، ۱۹۹۶م)، ج۶، ص۴۴۹ ح۲۷۰۰] از جمله حدیث جابر بن عبدالله رضی الله عنه که از قول پیامبر ﷺ در حجة الوداع نقل نموده که آن‌حضرتﷺ فرمودند: « یا أیها الناس، إن ربکم واحد وأباکم واحد، ألا لا فضل لعربی علی عجمی، ولا لعجمی علی عربی، ولا أسود علی أحمر، ولا أحمر علی أسود إلا بالتقوی ...»، این حدیث را امام احمد بن حنبل رحمه الله در مسندش روایت کرده و رجال آن رجال صحیح هستند. بنگرید به: [مجمع الزوائد – الهیثمی، (ط: مکتبة القدسی، القاهرة، ۱۹۹۴م)، ج ۳ ، ص ۲۶۶ ح ۵۶۲۲] و حدیث در مجموع «صحیح لغیره» است. [ر.ک: صحیح الترغیب والترهیب – الألبانی، ج۳، ص۷۹ ح۲۹۶۳؛ تراجعات الألبانی – أبو الحسن الشیخ، (ط: دار المعارف، الریاض)، ص۸ ح۱۰۰]

- پیامبراکرم ﷺ فرمودند: « **لا يؤمن أحدكم حتى يحب لأخيه ما يحب لنفسه.**»[1] یعنی: «هیچ یک از شما صاحب ایمان نمی‌شود مگر اینکه آنچه را برای خود دوست دارد، برای برادر خود نیز دوست بدارد.»

سلف صالح رحمهم الله فرمودند: منظور این است که مثلاً شخصی، کفش خود را بهتر از کفش دیگری یا لباس خود را بهتر از لباس دیگری نداند و امام شافعی رحمه الله فرموده: «دوست دارم که همه‌ی مردم این علوم را بدانند و هیچ چیز آن را به من نسبت ندهند.»[2]

برخی از صفات کارگر

۱. امین و معتمد

- ﴿**قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَأْجِرْهُ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَأْجَرْتَ الْقَوِيُّ الْأَمِينُ**﴾ [قصص: ٢٦]، یعنی: «یکی از آن دو [دخترِ شعیب] گفت: ای پدر، او را استخدام کن، چرا که بهترین کسی است که استخدام می‌کنی: هم نیرومند [و هم] درخور اعتماد است.»

۲. اتمام کار به نحو احسن

- پیامبراکرم ﷺ فرمودند: « **إن الله يحب إذا عمل أحدكم عملا أن يتقنه**»[3] یعنی: «خداوند دوست دارد که وقتی یکی از شما کاری می‌کند آن را به تمام و کامل انجام دهد.»

---

[1]- صحیح البخاری، ج۱، ص۱۲ ح۱۳؛ صحیح مسلم، ج۱، ص۶۷ ح۴۵.

[2]- ر.ک: فتح الباری شرح صحیح البخاری – ابن رجب الحنبلی، (ط: ۱، مکتبة الغرباء الأثریة، المدینة النبویة، ۱۹۹۶م)، ج۱، ص۴۶.

[3]- مسند أبی یعلی الموصلی، ج۷، ص۳۴۹ ح۴۳۸۶؛ شعب الایمان للبیهقی، (ط: ۱، مکتبة الرشد، الریاض، ۲۰۰۳م)، ج۷، ص۲۳۲ ح۴۹۲۹؛ المعجم الأوسط للطبرانی، (ط: دار الحرمین، القاهرة)، ج۱، ص۲۷۵ ح۸۹۷؛ این حدیث «صحیح» است. [ر.ک: سلسلة الأحادیث الصحیحة – الألبانی، ج۳، ص۱۰۶ ح۱۱۱۳؛ صحیح الجامع الصغیر – الألبانی، (ط: المکتب الإسلامی)، ج۱، ص۳۸۳ ح۱۸۸۰]

۳. حافظ و امانت‌دار

- ﴿قالَ اجْعَلْني عَلى خَزائِنِ الْأَرْضِ إِنِّي حَفيظٌ عَليم﴾ [یوسف: ۵۵]، یعنی: « [یوسف] گفت: مرا بر خزانه‌های این سرزمین بگمار، که من نگهبانی دانا هستم.»

٤. وفاء به تعهدات

- ﴿وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كانَ مَسْؤُلا﴾[اسراء: ٣٤]، یعنی: «و به پیمان [خود] وفا کنید، زیرا که از پیمان پرسش خواهد شد.»
- ﴿إِنَّ اللَّهَ لا يُحِبُّ مَنْ كانَ خَوَّاناً أَثيماً﴾ [نساء: ۱۰۷]، یعنی: «خداوند هر کس را که خیانتگر و گناه‌پیشه باشد دوست ندارد.»
- پیامبراکرمﷺ فرمودند: «المسلمون على شروطهم»[1] یعنی: «مسلمانان بر شروط خود هستند.»

۵. عدم سوء استفاده از وظیفه کاری

- پیامبراکرمﷺ فرمودند: « من استعملناه على عمل فرزقناه رزقا، فما أخذ بعد ذلك فهو غلول»[2] یعنی: «هر کس را بر عملی گماردیم و او را حقی معین بخشیدیم و سپس بعد از آن چیزی (رشوه یا مال حرام مرتبط با کار) را بگیرد پس وی خیانت کرده است.»

«رد شبهات ملحدین»

شهریور ۱۳۹۷

---

[1]- سنن أبی داود، ج۳، ص۳۰۴ ح۳۵۹۴؛ سنن الترمذی، ج۳، ص۳۲۶ ح۱۳۵۲؛ این حدیث «صحیح» است.

[2]- صحیح ابن خزیمة، ج۴، ص۷۰ ح۲۳۶۹؛ سنن أبی داود، ج۳، ص۱۳۴ ح۲۹۴۳؛ این حدیث «صحیح» است.